

ترسیم صورت‌بندی تطورات گفتمانی گفت‌وگوهای قرآنی

عبدالکریم خیامی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۳۰

عبدالکریم بهجت‌پور **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

چکیده

با توجه به کانونی بودن گفت‌وگو در کنش ارتباطی و نقش تحلیل کلام در بازسازی و استقرار گفتمان، ۱۳۳ گفت‌وگوی موجود در قرآن به روش تمام‌شماری استخراج و سپس به ترتیب نزول سوره‌ها (و نه به ترتیب مصحف) با اقتباس از دیگر پژوهش‌های قرآنی، در چهار مرحله، دعوت علنی پیامبر و ایمان مخفی مؤمنان؛ گسترش دعوت و علنی شدن اعتقادات مؤمنان؛ تشکیل جامعه ایمانی؛ و تثبیت و پایش جامعه اسلامی طبقه‌بندی شدند (مراحل اول و دوم مکی و مراحل سوم و چهارم مدنی است).

سپس با به کار بستن یک ترکیب چند سطحی از انواع و سطوح مختلف نظریه و روش تحلیل گفتمان، ابتدا مهم‌ترین عناصر زبان‌شناختی گفت‌وگوها بر اساس مکتب نقش‌گرایی هلبیدی استخراج و سپس گفت‌وگوها در بافت و زمینه متن و کلان اجتماع بازخوانی شدند. در انتها با استخدام مفاهیم نظریه گفتمانی لاکلاو و موف؛ صورت‌بندی تطورات گفتمانی گفت‌وگوها طی ۲۳ سال نزول قرآن ترسیم و ارائه شده است که در آن فرآیند اضمحلال گفتمان شرک‌آلود حاکم و شکل‌گیری اولیه گفتمان حاکمیت اسلامی در چهار مرحله «بی‌قراری گفتمان حاکم»؛ «غیریت‌سازی»، «مفصل‌بندی گفتمانی» و «پیرایش گفتمانی» معرفی شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، گفت‌وگو، تحلیل گفتمان، ارتباطات میان فردی، الگوی هنجاری.

* استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (نویسنده مسئول) AK.Khayami@gmail.com
** دکترای علوم قرآنی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی Abpl14@yahoo.com

مقدمه

ارتباط جمعی بخشی از حوزه وسیع ارتباط انسانی است. یکی از راه‌های تجزیه و مطالعه این کل بزرگ، تفکیک انواع ارتباط بر حسب سطح سازمان اجتماعی است که ارتباط در آن رخ می‌دهد. از این زاویه، ارتباط جمعی را می‌توان یک توزیع هرمی دانست (راجرز، چافی و برگر، به نقل از مک‌کوایل، ۱۳۸۵، ص ۲۵) که قاعده و سطوح پایین آن را ارتباط درون‌فردی و میان‌فردی، سطوح میانی آن را روابط درون و بین گروهی و رأس هرم را ارتباطات یا روابط میان نهاده‌ها، سازمان‌ها و جوامع (ارتباط جمعی) تشکیل می‌دهد.

ارائه نظریه‌ای جامع و قابل قبول در سطح ارتباط جمعی، مستلزم تحقیق و نظریه‌پردازی در سطوح خردتر آن خواهد بود (درحالی‌که در سطح اول؛ درک، یادآوری و تفسیر اطلاعات مهم است، در سطح دوم؛ الگوهای تعامل، مسائل پیوستگی و وابستگی، سلسله مراتب و ... اهمیت پیدا می‌کند). ارتباط جمعی به دلیل جامعیتی که دارد، تمام فرآیندهای سطوح پایین‌تر از خود را در بر می‌گیرد. از سویی شناخت کامل ارتباط جمعی، منوط به شناخت پیشین از ارتباطات میان‌فردی و درون‌فردی است که در قاعده آن قرار دارد.

لذا مسلم است که بررسی و تبیین مدل دینی و بومی فرهنگ و ارتباطات جمعی، که اندیشمندان داخلی به دنبال آن هستند، بدون طراحی و ارائه نظریه‌هایی درخور در سطوح خرد پیشینی آن، کامل و نتیجه‌بخش نباشد. تجربه نیز نشان داده است که الگوهای هنجاری ارائه شده برای تحلیل فرهنگ اجتماعی یا رسانه‌های جمعی که مسیر مذکور را طی نکرده‌اند، نتوانسته‌اند جوابگوی نیازهای نظری و عملی جامعه اسلامی باشند.

به تعبیر برخی صاحب‌نظران؛ ارتباطات از خویشتن آغاز می‌شود (فرهنگی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹). ارتباط با خویشتن با گفت‌وگوی درونی با نفس کلید می‌خورد و پس از آن در نخستین بازتاب بیرونی و اجتماعی‌اش در گفت‌وگوی با دیگری تجلی می‌یابد و به تعبیر جان فیسک، «ارتباط، گفت‌وگو با یکدیگر است» (فیسک، ۱۳۸۶، ص ۹).

از این‌روست که گفت‌وگو، به معنای وسیع خود، چه ارتباط با خود باشد یا با دیگری، به مثابه مبنای‌ترین پدیده ارتباطی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد.

به‌طوری‌که آموزه‌های دینی هم به کرات، آداب گفت‌وگو را با هدف برقراری ارتباط گفتاری مؤثر، به شیوه‌های گوناگون بیان نموده‌اند (ایروانی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲).

حال نظر به اهمیت و کارکرد گفت‌وگو، بررسی، واکاوی و تحلیل آن از جنبه‌های متعددی حائز توجه می‌شود. «گوردین و هریتیج» با مهم خواندن تحلیل گفت‌وگوها، معتقدند که این تحلیل‌ها به‌ویژه برای صاحب‌نظران کنش متقابل نمادین، سویه‌ای استراتژیک برای مطالعه رفتار انسانی دارد (Goodwin & Heritage, 1990, p284).

پژوهش حاضر نیز با درک اهمیت استراتژیک گفت‌وگو در ارائه الگو و مدل دینی و بومی فرهنگ و ارتباطات جمعی، تحلیل رخداد ارتباطی «گفت‌وگو» در قرآن را مطمح نظر قرار داده تا با توجه دادن به این بنای اولیه، نظریات سطوح خرد و پیشینی (قاعده هرم) مدل را قوام بخشد.

با بررسی گفتمانی گفت‌وگوهای قرآنی به مثابه پایه‌ای‌ترین امر ارتباطی میان‌فردی، و شیوه انتخاب و روایت آن‌ها، می‌توان به الگوهای تعامل، شیوه‌های برجسته‌سازی و حاشیه‌گذاری، الگوهای انتخاب گفت‌وگوها متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی، هنجارگذاری‌ها و مرزبندی‌ها و دیگر ویژگی‌های مرتبط با سطوح خرد ارتباطات دست‌یازید. کشف نسبت گفت‌وگوهای قرآنی با یکدیگر و نوع چینش آن‌ها متناسب با روند تحولات ۲۳ ساله دوران پیامبر، به فهم تطورات گفتمانی تحولات اجتماعی نیز کمک می‌نماید.

قرآن به‌مثابه یک رسانه جمعی، اولاً به‌گزینه‌های مجموعه‌ای از گفت‌وگوها مبادرت نموده است و ثانیاً این گفت‌وگوها را با روایتی خاص برای مخاطبان عامش ارائه داده است و بررسی این مکالمات قطعاً از ابعاد مختلف و در همه سطوح ارتباط جمعی راهگشا خواهد بود. این کتاب، تنها نص دینی و متن وحیانی مورد قبول همه مسلمانان است و انتخاب آن برای اقتباس مدل‌ها کاملاً موجه است. از سوی دیگر نقش خداوند به‌مثابه روایت‌گر، در انتخاب، نقل و تکرار گفت‌وگوها، بر اهمیت مطالعه مذکور می‌افزاید.

طی دهه‌های اخیر اندیشمندان داخلی و خارجی، تحقیقات و تئوری‌های گوناگونی را برای فهم رخدادهای ارتباطی به‌ویژه «گفت‌وگو» ارائه داده‌اند. برای نمونه؛ «هاروی

ساکس»، «ایمانوئل اسچگلف» و «گیل جفرسون» از اوایل دهه ۶۰ حوزه مطالعاتی تحلیل گفت‌وگو را بنا نهاده و توسعه دادند (Goodwin & Heritage, 1990, p 283).

محمدحسین فضل‌الله (۱۳۸۹) به شکل مستقیم به مقوله مکالمه در قرآن وارد شده است و با بحث درباره گفت‌وگو و جدل و ویژگی آن‌ها در اسلام و معرفی ارکان و شرایط گفت‌وگو، به انواع آن در قرآن اشاره می‌کند. رویکرد وی در این بررسی‌ها بیشتر تشریح محتوا، معرفی شخصیت‌های طرفین گفت‌وگو، واکنش‌ها و حالات آنان و نیز برخی شیوه‌های کلی رعایت شده در گفت‌وگوهاست. جواد ایروانی (۱۳۸۵) نیز به شکل مستقیم به موضوع گفت‌وگو پرداخته است. با این تفاوت که مؤلف به موازات قرآن از روایات اسلامی نیز بهره برده است. تمرکز نگاه وی بیشتر بر وجوه اخلاقی و مهارتی گفت‌وگوها در قالب ارتباطات میان‌فردی است و کمتر به بررسی مکالمات روایت‌شده در نصوص دینی پرداخته است.

پژوهش‌هایی نیز وجود دارد که به اقتضای موضوع، بخش جداگانه‌ای را به مفهوم گفت‌وگو در قرآن اختصاص داده‌اند. یوسف‌زاده ۱۳۹۲؛ غلامرضایی ۱۳۸۹؛ زهرا خراسانی ۱۳۸۴؛ خلیل پروینی ۱۳۷۹ و ... هنگام معرفی «عناصر»، «شخصیت‌ها» یا ویژگی‌های «پی‌رنگ» در قصه‌های قرآنی و ... ذیل آن «ویژگی‌ها»، «انواع» و ... گفت‌وگوهای قرآنی را در بخش‌های مجزایی مورد مطالعه قرار داده‌اند.

در این میان آثار و پژوهش‌هایی هم هستند (معموری ۱۳۹۲؛ میر و عبدالرئوف ۱۳۹۰؛ قائمی‌نیا ۱۳۸۹؛ العموش ۱۳۸۸؛ سعیدی روشن ۱۳۸۵؛ حسینی ۱۳۸۲؛ عطارد ۱۳۸۰ و ...) که گرچه نگاه مستقیمی به گفت‌وگوها نداشته‌اند، اما تحلیل‌های زبان‌شناختی، نشانه‌شناختی، تحلیل روایت و امثال آن از آیات قرآن داشته‌اند.

برخی از وجوه تمایز این نوشتار با آثار پژوهشی یاد شده به شرح زیر است؛ تمامی گفت‌وگوهای قرآنی استخراج نشده و به اقتضای موضوع، فقط تعداد انگشت‌شماری را مطالعه کرده‌اند.

«گفت‌وگو»، محور کانونی پژوهش‌ها نبوده و ذیل موضوعی دیگر، مطالعه شده است. گفت‌وگوها، با دیدگاه ارتباطی - زبان‌شناختی مطالعه نشده‌اند.

ترتیب نزول آیات و شرایط سیاسی و اجتماعی مسلمانان، در فهم گفت‌وگوها

نادیده گرفته شده است.

اتخاذ روش کیفی و ترکیبی از تحلیل گفتمان، از ابعاد نوآورانه این تحقیق در مقایسه با آثار قبلی است.

۱. مبانی و چارچوب مفهومی

چارچوب نظری این تحقیق، برگرفته از نظریه‌های گفتمان است. خاصیت «میان‌رشته‌ای بودن» نظریه و روش تحلیل گفتمان بر پیچیده‌تر شدن آن دامن زده و تکثر معنایی و ارجاعات مدلولی متفاوت این واژه به قدری زیاد شده که حتی شاید نتوان فصل مشترکی برایشان یافت (کلانتری، ۱۳۹۱، ص ۷).

می‌توان یکی از نظریه‌های گوناگون گفتمانی را انتخاب و به‌طور کامل (از پیش‌فرض‌ها تا روش‌ها و تکنیک‌ها) از آن تبعیت کرد. اما در گزینه دوم که بسیار پرکاربردتر است، عناصر متعلق به دیدگاه‌های مختلف تحلیل گفتمان و حتی در صورت امکان دیدگاه‌های خارج از حوزه مذکور تلفیق و یک بسته خاص نظری و روشی برای تحقیق ایجاد می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۲۱). انتخاب معنا و روش از میان مبانی و مفاهیم متکثر موجود، مرسوم پژوهش‌های علمی معتبر است.

۱-۱. تعریف گفتمان

گفتمان مشهورترین معادل فارسی Discourse است. این واژه از کلمه فرانسوی Discours (dis-koor) و لاتین Discurs-us به معنی گفت‌وگو، محاوره و گفتار گرفته شده است (مک دائل، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

در معنای اصطلاحی، تعاریف بسیاری از آن ارائه شده است که به‌رغم قرابت برخی از آن‌ها، تشتت چشمگیری هم بر آن‌ها حاکم است؛ از حوزه مفهومی محدودی چون «واحد‌های زبانی بالاتر از جمله»، «یک گفت و شنود» تا حوزه بسیار وسیعی چون «تثبیت معنا در یک قلمرو خاص»، «حوزه عمومی همه احکام» را در بر می‌گیرند. پیش از انتخاب و یا ارائه تعریف مورد نظر، ناچار از تعیین رویکردها و پیش‌فرض‌هایم.

۲-۲. رویکردهای تحلیل گفتمان

۲-۲-۱. زبان‌شناسی صوری^۱

در این رویکرد، «زبان» پدیده‌ای انتزاعی و منفک از بافت است که به‌جای تمرکز بر مطالعه واج‌ها، آواها و واژگان، باید بر رابطه میان آن‌ها و واحدهای متشکله و ساختار جمله توجه کرد. زیرا رابطه بین این عناصر و صورت‌های آن‌ها تولید معنا می‌کند. یعنی، صورت‌گرایان بر چگونگی کارکرد واحدهای مختلف در ارتباط با یکدیگر تأکید دارند (لاینز، ۱۳۸۵، صص ۷۵-۸۳). کسانی چون «هریس»، تحلیل و مطالعه واحدهای زبانی کوچک‌تر از جمله را وظیفه دستور زبان و مطالعه واحدهای زبانی بالاتر از آن (که مستلزم کشف روابط در سطح جملات است) را وظیفه تحلیل گفتمان می‌دانند.

۲-۲-۲. زبان‌شناسی نقش‌گرا^۲

این گروه، تأکید دارند که زبان تنها متشکل از جملات نیست و برخی عناصر موجود در مکالمه، کارکردی در سطح جمله ندارند و عباراتی نظیر «خُب»، «باشه»، «آها» در این تلقی قابل تحلیل نیستند. درحالی‌که نقش مهمی در ارتباط و انتقال معنا به عهده دارند (میلز، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳).

«هلیدی» معتقد است که آراء او نسبت به زبان، بیشتر متکی بر نقش عناصر زبانی است تا صورت آن‌ها. واحد تحلیل، «متن - در - بافت» است. یعنی نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آن‌ها با بافت است که معانی خاص را می‌آفریند (Halliday, 1994, P. 25-38).

اصول کلی حاکم بر این رویکرد عبارتند از:

- زبان شبکه‌ای از نظام‌های مرتبط برای نشان دادن روابط معنایی است.
- در تحلیل متون گفتاری و نوشتاری باید به بافت اجتماعی فرستنده و عواملی چون فرهنگ، جامعه، وظیفه و نقش ارتباطی و کاربردی زبان، تحولات تاریخی و امثال آن توجه شود.

- سطوح چهارگانه بافت، معنی‌شناسی، دستور - واژگان و واج‌شناسی برای زبان قائل است.

۲-۳. زبان‌شناسی انتقادی^۳

این رویکرد، دو منظر پیشین را قسمتی از طرح خود برای بازسازی و صورت‌بندی مجدد جریان مسلط زبان‌شناسی به حساب می‌آورد. ضد تاریخی و خود محور بودن، فقدان توجه به کاربران زبان، بی‌توجهی به ارتباط زبان با مقولاتی نظیر طبقه و جنسیت، محدودیت واحد تحلیل (جمله یا بند)، از انتقادات آن به صورت‌گرایان است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲). از سوی دیگر، توجه صرف به محیط بلافصل در زبان‌شناسی نقش‌گرا را ناکافی دانسته و مایل است با اهدافی سیاسی، پیوند زبان با قدرت و ایدئولوژی را آشکارتر مورد بررسی قرار دهد.

مهم‌ترین مفاهیم و اصول نظری رویکرد عبارتند از: انتقاد، ایدئولوژی، قدرت، تاریخ، نگرش منتقدانه، طبقه‌بندی، گزینش و محدودیت‌ها (ون‌دایک، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷).
- ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تا حدودی خصلت زبانی - گفتمانی دارند و زبان باید درون بستر اجتماعی خودش تحلیل شود.
- گفتمان، هم سازنده است و هم ساخته شده.
- گفتمان، صرفاً یکی از جنبه‌های مختلف هر عمل اجتماعی است.
- میان‌متنیت می‌تواند گفتمان‌ها و جهان فرهنگی و اجتماعی را تغییر دهد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰).

۲-۴. نظریه گفتمانی ارنستو لاکلائو و شتال موف

ایده کلی نظریه آن‌ها این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد. وظیفه تحلیل‌گران گفتمان، نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۵۳).

آن‌ها گرچه به شدت از سوسور الهام پذیرفته و معنای دال‌ها را از یک نظام غیریت می‌دانند، اما برخلاف وی، معتقد به دال شناورند. دال‌هایی که مدلول خود را موقتی و از متن تعارضات اجتماعی می‌گیرند. معنای این دال‌ها حتی اگر در یک گفتمان خاص

تثبیت شوند، هر لحظه استعداد جدایی از معنای خود و قرارگیری در گفتمان‌های دیگر را دارند.

پیش‌فرض‌های نظری حاکم بر این دیدگاه عبارتند از:

- گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد و معنا به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند برای همیشه ثابت بماند.

- گفتمان، به واسطه تماس با سایر گفتمان‌ها دستخوش تغییر می‌شود و برای تثبیت معناها در کشمکش دائم است.

- زبان صرفاً بازتابنده واقعیت از پیش موجود نیست بلکه به بازنمود واقعیت هم می‌انجامد.

- هر عمل و پدیده‌ای، وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند (هوارث، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶).

با بررسی رویکردها، اینک می‌توان تعریفی از گفتمان ارائه داد. قاعدتاً این تعریف باید انتخاب و تثبیت معانی دال‌های معین در یک آرایش ارتباطی خاص را شامل شود. امری که در نگاه لاکلائو و موف نوعی مفصل‌بندی^۱ دال‌هاست. مفصل‌بندی، هر فرآیند یا عملی است که منجر به برقراری ارتباط بین عناصر شود، به نحوی که این ارتباط، موجب تعدیل و تعریف جدید هویت این عناصر شود. کلیتی که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌آید، گفتمان نام دارد (Laclau & Mouffe, 1985, p.105).

۲-۲-۴-۱. دال و مدلول: دال‌ها اشخاص، مفاهیم و عباراتی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنای خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود.

۲-۲-۴-۲. دال مرکزی^۲: همه نشانه‌های مفصل‌بندی شده در یک گفتمان از ارزش برابر برخوردار نیستند. مهم‌ترین آن‌ها «دال مرکزی» است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند. این دال، دال‌های دیگر را حمایت و آن‌ها را در قلمرو معنایی خود نگه می‌دارد.

۲-۲-۴-۳. دال‌های شناور^۳: نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف در تلاش‌اند تا به شیوه خاص خود به آن‌ها معنا بخشند. نشانه‌هایی که در میدان مبارزه گفتمان‌های

متفاوت برای تثبیت معنا، شناور و معلق هستند.

۲-۲-۴-۵. بی‌قراری (ازجاشدگی)^۷: تزلزل بنیادین گفتمان‌ها، به واسطه وجود غیر است. بی‌قراری‌ها نشانه زوال هژمونی گفتمان مسلط و ناتوانی آن در تفسیر واقعیت و جذب عناصر اجتماعی محسوب می‌شوند (Smith, 1998, p.101). بی‌قراری می‌تواند از سطح خرد (معنای یک نشانه یا دال) آغاز و تا کلان‌ترین سطوح گفتمان ادامه یابد.

۲-۲-۴-۵. منطق تفاوت^۸: به ویژگی متکثر جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی (شکاف‌ها و اختلافات اجتماعی) تأکید می‌کند. منطق تفاوت می‌کوشد از راه تأکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی، «زنجیره هم‌ارزی»^۹ موجود را به هم بریزد (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۹).

۲-۲-۴-۶. دال‌های خالی^{۱۰}: دال‌های خالی از طریق نشان دادن وضعیت مطلوب و نواقص موجود، ابزار خلق اسطوره‌های جدید می‌شوند. شرط بقای گفتمان مسلط، پرکردن مستمر خلأهایی است که دال‌های خالی همواره آن‌ها را بازنمایی می‌کنند (Laclau, 1994, p.49).

۲-۲-۴-۷. وقته (لحظه)^{۱۱}: هر نشانه‌ای که به واسطه عمل مفصل‌بندی با نشانه‌های دیگر جوش خورده و وارد شبکه معنایی گفتمان شده است.

۲-۲-۴-۸. حوزه گفتمان‌گونگی^{۱۲}: همه معانی و نشانه‌های طرد شده از یک گفتمان.

۲-۲-۴-۹. عنصر^{۱۳}: نشانه‌ای که در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارد، دارای چندگانگی معناست و در مفصل‌بندی گفتمانی تثبیت نشده است.

۲-۲-۴-۱۰. غیریت^{۱۴} (ضدیت): هویت‌یابی گفتمان‌ها در ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند. لذا همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. گفتمان‌های غیر، دائماً در تلاش‌اند تا معانی جدید از وقته‌ها ارائه کنند و ثبات موقت معنایی را که گفتمان مسلط ایجاد کرده است، بر هم بزنند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۷۶).

۲-۳. چارچوب نظری و مفهومی منتخب

با توجه به برخی ویژگی‌های این پژوهش از قبیل؛

- انتخاب نظریه و روشی با قابلیت اعمال بر روی متن مکتوب،
 - تبیین تحلیل‌های متنی، در چارچوب کلان‌گفتمانی با توجه به تغییر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه نبوی طی ۲۳ سال نزول آیات قرآن،
 - توان‌سنجی آزمایشی روش تحلیل‌گفتمان در فهم نصوص دینی و برداشتی سامان‌مند از متن، متناسب با حوزه مطالعاتی فرهنگ و نظریه‌پردازان هنجاری ارتباطات (یعنی تفسیر، اجتهاد، افتاء یا نظر نهایی اسلام درباره گفت‌وگو نیست)،
 - همگامی با آخرین تحولات تحلیل‌های متنی،
- هیچ‌یک از رویکردهای نظریه‌گفتمان، به‌تنهایی قادر به تأمین تمامی اهداف مورد نظر نیست. لذا ترکیب نظری و مفهومی مناسبی به شرح زیر تدوین شد که به‌طور طبیعی چارچوب روش تحقیق را نیز معین کند.

در تحلیل‌های متنی، از ابزارهای «دستور نقش‌گرای نظام‌مند» هالیدی که اصول آن هیچ منافاتی با مبانی اندیشگانی اسلامی ندارد، استفاده و نتایج از دید مکتب انتقادی تبیین شده است. از آنجا که هدف، بررسی انتقادی گفتمان مسلط بر عرب جاهلیت پیش از اسلام و ترسیم تطورات گفتمانی گفت‌وگوها در روند اضمحلال و فروپاشی گفتمان شرک و نحوه شکل‌گیری و در نهایت حاکمیت گفتمان اسلام است، از این‌رو، کاربرد رویکرد انتقادی، در مراحل میانی تحلیل، قابل توجیه است.

در پایان برای صورت‌بندی گفتمان نیز، از نظریه لاکلائو و موف استفاده شده است. این نظریه، به‌طور مبنایی فاقد ابزارهای لازم برای تحلیل متن و از سویی عمده پیش‌فرض‌های معرفتی آن، مربوط به ساحت اجتماع است. حال آنکه هدف پژوهش حاضر، تحلیل یک متن مکتوب است. یعنی اگر دوره ۲۳ ساله نبوت پیامبر را گفتمانی بدانیم که دستخوش تغییرات مداوم بوده و برای بررسی آن، صرفاً از نظریه مذکور استفاده می‌کردیم، بسیاری از پیش‌فرض‌های معرفتی مذکور مدخلیت تامی در نتایج می‌یافت و احتمال ناسازگاری با معتقدات دینی ما افزوده می‌شد. اما وقتی یک متن یا نوشته مورد تحلیل باشد، پیش‌فرض‌هایی چون «تغییر مداوم یک گفتمان اجتماعی در

جامعه» یا «تعریف گفتمان به مثابه یک کنش اجتماعی انسانی» و امثال آن تأثیر مستقلی نخواهند داشت.

۲-۴. تعریف گفت‌وگو

گفت‌وگو معادل (Dialogue) در انگلیسی^{۱۵} و حوار در عربی^{۱۶} است و با توجه به اهداف تحقیق و با اقتباس از تعریف «مستنصر میر»، تعریف اصطلاحی آن عبارت است از «مبادله کلامی خاص» میان دو سوی مستقل گوینده و مخاطب که در یک «موقعیت مشخص» محقق شده باشد. «مبادله خاص کلامی»، مکالمات نه چندان با اهمیت و روزمره، و «موقعیت مشخص»، مبادله‌های کلامی را که گذشت زمان یا تغییر مسیر، پیوستگی آن را قطع کرده است، از شمول تعریف خارج می‌کند (میر و عبدالرئوف، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵).

گفت‌وگوهایی که در قرآن یک یا حتی دو طرف آن موجودات غیبی یا غیرانسانی (مانند خدا، ملائکه، شیطان) بوده‌اند، جزو نمونه‌های تحلیل بوده و از دایره تحقیق خارج نشده‌اند. زیرا آن‌ها هم مانند دیگر گفت‌وگوها برای مخاطب انسانی و با هدف تربیت دینی و ارتقاء ایمانی، در یک رسانه مکتوب نقل شده‌اند. این امر در راستای کمک به تدوین نظریه‌های هنجاری ارتباطات جمعی اسلامی با مرور نحوه انتخاب انواع گفت‌وگوها با تنوع اطراف آن‌ها، متناسب با شرایط مخاطبان است. از سویی این نوع گفت‌وگوها با «بیان و زبان انسانی» طرح شده‌اند یعنی گرچه در مقام «داستان»^{۱۷}، طرفین آن‌ها انسان نیستند، اما در مقام گفتمان، «انسانی» روایت شده‌اند (چتمن، ۱۳۹۰، ص ۹).

ضمن آنکه تحلیل گفت‌وگوهایی با اطراف غیبی یا غیرانسانی، در تحلیل‌های «پروپ» و «استروس» نسبت به قصه‌های اسطوره‌ای با شخصیت‌های ماورائی یا غیرانسانی؛ تحلیل گفتمانی رمان‌های تخیلی و فضایی؛ و تحلیل‌های زبان‌شناختی و گفتمانی کتب مقدسی چون انجیل و ... بی‌سابقه نیست.

۳. روش تحقیق

از آنجا که روش‌های تحلیل گفتمان نیز همچون نظریه گفتمان از تنوع و کثرت

برخوردارند، لذا تا حد زیادی روش مورد نظر این تحقیق نیز منقح خواهد بود. امروزه ادغام چند روش کیفی با یکدیگر و از آن بالاتر تلفیق روش‌های کمی و کیفی به امری حیاتی بدل شده است (کِل و برگِر، به نقل از فلیک، ۱۳۸۷، ص ۲۸). چند بُعدی کردن^{۱۸} با ترکیب چند روش و جایگاه یکسان بخشیدن به آن‌ها، پژوهشگر را از محدودیت‌های یک روش واحد رها می‌کند. بنابراین، از هر دو روش تحلیل زبان‌شناختی (نقش‌گرا) و تحلیل گفتمانی لاکلائو و موف هم‌زمان استفاده شده است.

۱-۳. مرحله اول: گردآوری گفت‌وگوهای قرآنی

چون جامعه آماری با نمونه آماری تحقیق یکسان است، لذا تمام گفت‌وگوهای قرآنی، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای کسب اطمینان از جامعیت گفت‌وگوها؛ ابتدا تمام مواردی که در آن «گفته یا گفته‌هایی» در آیات ارائه شده بودند، استخراج و در گام بعدی مواردی که ذیل تعریف گفت‌وگو می‌گنجیدند، جدا و فهرست شدند. ۱۳۳ (مائده: ۱۱۷-۱۱۶ / عیسی با خدا) گفت‌وگو نهایی شد و برای ارجاعات بعدی، به ترتیب نزول آیات شماره‌گذاری شدند.

۲-۳. مرحله دوم: تحلیل‌های زبان‌شناختی

با اقتباس از ابزارها و تکنیک‌های زبان‌شناسی نقش‌گرایی هلیدی، متن آیات تحلیل شده‌اند. مهم‌ترین تکنیک‌ها و متغیرهای مورد استفاده در تحلیل زبان‌شناختی آیات به شرح زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱- متغیرهای تحلیل زبان‌شناسی هلیدی

تکنیک‌ها و متغیرها	توضیحات	فرایندها	توضیح	اجزای سازنده
فرآیندها و اجزای سازنده	هر کدام از این فرآیندها توسط فعل جمله بیان خواهند شد و دیگر اجزای جمله نیز بر اساس تسوع همین فرآیندها [فعل‌ها] تعیین و انتخاب می‌شوند.	مادی	نشان‌دهنده اتکای هرچه بیشتر فاعلین متن به افعال و اشیاء مادی است. (نشانگر غلبه وجوه عینی و مادی بر گفتار). مثال: [خدا] آنگاه که (عامل) در میان (زمینه) شما (بهره‌ور) پیامبران (هدف) قرار داد (فرآیند مادی)	عامل، هدف، بهره‌ور، زمینه، آغازگر
		رابطه‌ای	نشان‌دهنده وجود روابط گسترده میان موضوعات گفت‌وگو و فاعلین متن و یا ناشی از اطلاع‌رسانی مشارکین گفت‌وگو از نسبت میان مفاهیم، اشیاء و یا انسان است و کاربرد آن با توجه به بافت متن تعیین می‌شود. مثال: پروردگار شما (شاخص) دو نفر (شاخصه) کیست؟ (فرآیند رابطه‌ای).	حامل، ویژگی، شاخصه، شاخص
		ذهنی	در حوزه آگاهی و احساس مشارکین متن به کار می‌رود و از دو جزء حس‌گر و پدیده تشکیل شده است. محل شکل‌گیری این فرآیند احساسات و یا اندیشه‌های درونی افراد است. مثال: ای موسی [ما] (حس‌گر) بر یک نوع غذا (پدیده) صبر نمی‌کنیم (فرآیندذهنی)	حس‌گر، پدیده
		کلامی	ناظر به نقل قول‌ها و یا تأکید بر بیان یک گفته است. همچنین می‌تواند بر گوینده یک متن اشاره داشته باشد. اجزای تشکیل دهنده این فرآیند عبارتند از: گوینده، گفته، هدف و گیرنده. مثال: او (گوینده) می‌فرماید (فرآیند کلامی) که آن گاوی است ... (گفته)	گوینده، گفته، هدف، گیرنده
		وجودی	ناظر به هست‌ها و نیست‌هاست و جزء سازنده آن نیز «وجودی» است که از بود یا نبود آن سخن به میان رفته است. مثال: ای فرعون یقیناً من (وجود) فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیان هستم. (فرآیند وجودی)	وجود
		رفتاری	بر حادث شدن یا پیش‌بینی رفتار یک رفتارکننده اشاره دارد و از دو جزء رفتارکننده و رفتارشوند تشکیل می‌شود. مثال: آیا [تو] (رفتارکننده) ما را (رفتارشونده) مسخره می‌کنی؟ (فرآیند رفتاری)	رفتارکننده، رفتارشونده
		ضمایر شاملی	۱. ضمایر شاملی ^۹ : گوینده و یا کنش‌گر در آن دخیل هستند. مثال: «ما به آیات پروردگارمان هنگامی که به سوی ما آمد، ایمان آوردیم» (مان = ضمیر شاملی)	

و غیرشاملی	۲. ضمائر غیرشاملی ^{۲۰} (انحصاری): گوینده و یا کنش‌گر در آن فرآیند یا کنش شرکت ندارند. مثال: قوم موسی(ع)، خدا را با ضمیر غیرشاملی خطاب می‌کنند (پروردگارت). استفاده از آن به‌جای ضمیر شاملی (پروردگارمان) نشان‌دهنده تمایز بین خود و دیگری است. آن‌ها، خداوند و موسی را در گفتمان «غیر» یا «دیگری» نسبت به گفتمان «خودی» تعریف می‌کنند.
قطعیت و عدم قطعیت	۱. کاربرد فعل گذشته، چه در معنای تحقق واقعی و یا پایان یافتن فعل یا امری در گذشته باشد و چه برای تأکید بر حتمی بودن وقوع آن در آینده، نشان‌دهنده قطعیت انجام کار از نظر فاعل متن است. مثال: «آتی امرالله فلا تستعجلوه» (نحل: ۱). ۲. متغیرهای زبانی معرف قطعیت و اطمینان بیشتر (افعال ربطی؛ افعال وجهی شناختی که مربوط به بینش و ادراک هستند مانند عقیده داشتن و درک کردن؛ قیود مقارن مانند همیشه، هرگز؛ افعال کمکی مانند باید، می‌بایست؛ وجه اخباری). مثال: آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را حاکمان و فرمانروایان ساخت، و به شما نعمت‌های ویژه‌ای داد که به هیچ‌یک از جهانیان نداد. ۳. متغیرهای زبانی بیانگر تردید و عدم قطعیت (افعال وجهی شناختی که عدم شناخت کامل و تردید را بیان می‌کنند، مانند: خیال کردن، پنداشتن؛ قیده‌های ارزشیابی مانند: به ندرت، شاید؛ وجه شرطی، التزامی و امری) مثال: پروردگارا! مرا تا روزی که مردم برانگیخته می‌شوند، مهلت ده.
نهاد (مبتدا) و گزاره‌های چندتایی	۱. نهاد متنی: هنگامی که گویندگان یک متن، قصد امتناع گفت‌وگو و یا ادامه آن را داشته باشند. عباراتی همچون «اکنون»، «حال»، «بنابراین» نهاد متنی شمرده می‌شوند. مثال: اکنون ما در انتظار آمدن باران هستیم. ۲. نهاد بینافردی: افزوده‌هایی که گزاره پیش/پس از خود را «تقویت»، «اصلاح» و یا «شفاف‌سازی» می‌کند. همچنین برای مخاطب قرار دادن به کار برده می‌شوند. مانند «ای پرستاران گرامی! پاداش زحمات شما محفوظ است». در نهاد‌های بینافردی به‌گونه‌ای نظرات، حالات و عواطف گوینده در گزاره‌ها بازنمایی می‌شود. مانند: به درستی شما حق مطلب را ادا کردید. ۳. نهاد موضوعی: بر اساس فرانش اندیشگانی، هر جمله‌ای باید نهاد و گزاره‌ای داشته باشد که بر موضوعی خاص دلالت کند. لذا نهاد موضوعی همان نهاد جمله در نگاه سنتی خود است. مثال: خب، (نهاد متنی) بچه‌ها، (نهاد بینافردی) فیلم (نهاد موضوعی) الان شروع میشه (گزاره).

در این مرحله، ابتدا متن اصلی و ترجمه گفت‌وگوها و سپس غرض یا مقصود اصلی سوره بیان، و در ادامه نکات زبان‌شناختی آیات گفت‌وگو توضیح داده شده است. ترجمه متن آیات بر اساس طرفین گفت‌وگو تنظیم شده است. یعنی هر قطعه از سخن در مقابل نام سخنگوی آن آورده شده تا تحلیل‌های بعدی با دقت بیشتری انجام شود. در پایان، با توجه به موارد مذکور در مرحله بازخوانی گفت‌وگوها، در بافت و زمینه متن و اجتماع، ویژگی‌های هر یک از دوره‌های چهارگانه استخراج شده است. برای آشنایی با این مرحله طولانی و پایه‌ای، به ذکر یک نمونه از تحلیل زبان‌شناختی آیات گفت‌وگویی، اکتفا شده است:

آیات ۳۹ تا ۴۷ سوره مدثر

«إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹) فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲)...».

ترجمه آیه:

- بهشتیان: چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟

- جهنمیان: ما از نمازگزاران نبودیم و به تهیدستان و نیازمندان طعام نمی‌دادیم و با فرورفتگان [در گفتار و کردار باطل] فرو می‌رفتیم و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم، تا آنکه مرگ ما فرا رسید.

مقصود سوره:

هدف اصلی، توجیه پیامبر (ﷺ) برای شروع مرحله جدیدی از تبلیغ است. در این مرحله (مرحله اندازی و هشدار)، عمدتاً به بیان آسیب‌ها و اوضاع نامطلوبی پرداخته می‌شود که مردم در آن به سر می‌برند و با ذکر پیامدهای منفی باقی ماندن در شرایط نامطلوب، آن‌ها را برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب ترغیب می‌کند.

نکته‌های زبان‌شناختی آیه:

وارد کرد، فرو می‌رفتیم، فرارسید (فرآیند مادی)

نبودیم (فرآیند رابطه‌ای)

طعام نمی‌دادیم، انکار می‌کردیم (فرآیند رفتاری)

واژه‌های «روز جزا» باهم‌آیی دارند.

«ما و مرگ ما» ضمائر غیرشاملی (جهنمیان)

«همواره» (نهاد بینافردی) و «تا آنکه» (نهاد متنی)

فعل ربطی «نبودیم» و افعال گذشته استمراری «طعام نمی‌دادیم، فرو می‌رفتیم و انکار می‌کردیم...» در سخن جهنمیان، دلالت قطعی بر اعمال ناپسندشان و ناظر بر یک سبک زندگی است. قید زمان «همواره» روز جزا را انکار می‌کردیم، همیشگی بودن این نگرش را بیان می‌کند.

«با فرورفتگان فرو می‌رفتیم»، استعاره جهتی برای تجسم مفهوم انتزاعی غرق شدن در گناه، قعر چاه و باتلاق را تداعی می‌کند.

۳-۳. مرحله سوم: بازخوانی گفت‌وگوها در بافت و زمینه متن و اجتماع

در این مرحله ضمن بازخوانی تحلیل‌های زبان‌شناختی مرحله نخست، ارتباط مفهومی و معنایی آیات گفت‌وگویی با بافت گسترده‌تر متنی و شرایط کلان اجتماعی بررسی می‌شود تا صورت‌بندی نهایی گفتمانی محقق شود. برای رسیدن به این هدف، تحلیل‌های زبان‌شناختی با موارد ذیل بازخوانی می‌شوند.

دانستن غرض و یا مقصود هر سوره که به درک جهت‌گیری کلی و دلیل انتخاب و نقل گفت‌وگوها در آن سوره کمک می‌کند. بسیاری از مفسران، هر سوره را دارای هویتی خاص می‌دانند که در عین انسجام و پیوستگی با دیگر سوره‌های قرآنی، هدف ویژه‌ای داشته و نقش یک گفتار تام را دارد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۷).

آیات پیشین و پسین (بافت و یا سیاق آیاتی) گفت‌وگوها.

نسبت یا جایگاه گفت‌وگوها با ترتیب و شرایط کلی دوره نزول آیات.

مطالعه روندهای «تکرار گفت‌وگوها» (مدیریت تکرار).

آمار کمی، نمودارها و جداول تجمیعی مؤلفه‌های زبان‌شناختی.

شیوه به‌کارگیری روش‌های گفتمانی نظیر حاشیه‌گذاری؛ برجسته‌سازی؛ تثبیت یا

تضعیف فاعل متن و ...

توجه به بافت کلان اجتماعی و سیر تاریخی فروپاشی گفتمان مسلط و شرک‌آلود جامعه مکه در صدر اسلام و ایجاد تدریجی جامعه مستقل و مسلط ایمانی، اقتضاء می‌کند تا گفت‌وگوهای قرآنی به ترتیب نزول آن‌ها طی ۲۳ سال نبوت پیامبر (ﷺ) و نه بر اساس مصحف، مورد بررسی قرار گیرد. این روش امکان بررسی تغییرات تدریجی در انتخاب و شیوه نقل گفت‌وگوها و درعین‌حال کشف مراحل «گفتمان‌سازی» در چارچوب صورت‌بندی لاکلائو - موفای را فراهم می‌آورد. از منظری کلان‌نگر می‌توان کشف روش تحول دینی، کشف مراحل معرفی و تثبیت ارزش‌های اسلامی، تحلیل بهتر مراحل طرد و حاشیه‌گذاری ارزش‌های شرک‌آلود و کفرآمیز و تحلیل بهتر فرآیند ایجاد و عبور از چالش‌های پیش روی تبلیغ دینی را از دیگر فواید این رویکرد دانست.

مراحل شکل‌گیری جامعه نبوی نیز بر همین اساس و بر حسب آیات قرآن در چهار

مرحله ذیل بررسی شده‌اند: (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۷)

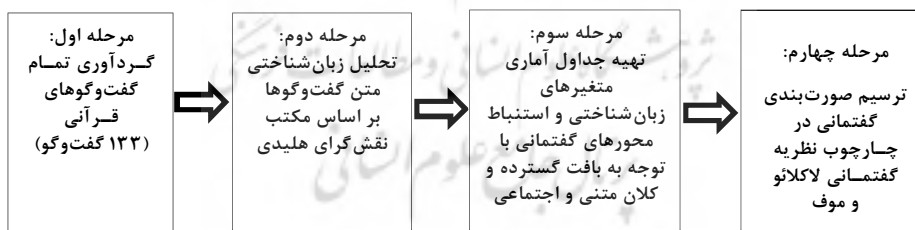
جدول شماره ۲- نحوه توزیع گفت‌وگوها در ادوار چهارگانه ترتیب نزول

دوره	توضیح دوره	سور مربوطه در قرآن به ترتیب نزول	شماره گفت‌وگوها	تعداد گفت‌وگوها
اول	کنش علنی و رسمی پیامبر (ﷺ) و رویش مخفی و زیرپوستی جامعه ایمانی	آیه ۱ علق تا آیه ۵۴ حجر	۱ تا ۸۵	۸۵
دوم	حضور علنی مؤمنان و دوقطبی شدن جامعه (اقلیت مؤمنان در برابر اکثریت مشرکان)	آیه ۵۵ انعام تا آیه ۸۶ مطففین	۸۶ تا ۱۱۱	۲۶
سوم	تشکیل و توسعه جامعه ایمانی در مدینه و بیان تکالیف قانونی مؤمنان	آیه ۸۷ بقره تا آیه ۱۱۲ فتح	۱۱۲ تا ۱۲۸	۱۷
چهارم	تثبیت و پایش جامعه ایمانی (فرهنگ‌سازی و نهادینه شدن بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتار ایمانی)	آیه ۱۱۳ مائده تا آیه ۱۱۴ توبه	۱۲۹ تا ۱۳۳	۵

۳-۴. مرحله چهارم: صورت‌بندی^{۲۱} تطورات گفتمانی

در آخرین مرحله با استفاده از مفصل‌بندی گفتمانی لاکلائو و موف روندهای فروپاشی یا شکل‌گیری گفتمان حاکم بر گفت‌وگوها متناسب با مراحل پیش‌گفته تبیین می‌شود. مفاهیمی چون عنصر، وقته، بی‌قراری، دال‌های خالی و ... ابزار ترسیم آن صورت‌بندی خواهند بود.

نمودار شماره ۱- مراحل پژوهش



۴. یافته‌های تحقیق

نتایج آماری مؤلفه‌های تحلیل زبان‌شناختی گفت‌وگوهای بررسی شده (فرآیندها، ضمایر، قطعیت و نهادها) به شرح ذیل است:

جدول شماره ۳- فراوانی فرآیندهای شش گانه در گفت وگوها

مادی	وجودی	کلامی	رفتاری	رابطه‌ای	ذهنی	فرآیند	
۳۸۴	۷۸	۹۰	۱۲۶	۱۹۹	۲۷۸	فراوانی	دوره
۴/۵۱	۰/۹۱	۱/۰۵	۱/۴۸	۲/۳۴	۳/۲۷	متوسط کاربرد در هر گفت وگو	اول
۱۱۹	۱۵	۳۴	۲۴	۵۴	۶۰	فراوانی	دوره
۴/۵۷	۰/۵۷	۱/۳	۰/۹۲	۲/۰۷	۲/۳۰	متوسط کاربرد در هر گفت وگو	دوم
۶۳	۱	۱۹	۵	۲۶	۲۶	فراوانی	دوره
۳/۷	۰/۰۵	۱/۱۱	۰/۲۹	۱/۵۳	۱/۵۳	متوسط کاربرد در هر گفت وگو	سوم
۱۹	۴	۵	۵	۱۴	۱۲	فراوانی	دوره
۳/۸	۰/۸	۱	۱	۲/۸	۲/۴	متوسط کاربرد در هر گفت وگو	چهارم

جدول شماره ۴- میزان قطعیت نسبی طرف‌های خودی و غیر خودی در گفت وگوها

طرف غیر خودی	طرف خودی	قطعیت و عدم قطعیت	
۱۶۱	۳۱۲	قطعیت	دوره اول
۵۵	۱۷۱	عدم قطعیت	
۲/۹۱	۱/۸۲	نسبت قطعیت به عدم قطعیت	
۵۷	۸۷	قطعیت	دوره دوم
۳۰	۳۰	عدم قطعیت	
۱/۹	۲/۹	نسبت قطعیت به عدم قطعیت	
۱۵	۴۵	قطعیت	دوره سوم
۱۳	۱۱	عدم قطعیت	
۱/۱۵	۴/۰۹	نسبت قطعیت به عدم قطعیت	

بررسی گفت وگوهای دوره چهارم نشان می‌دهد که طرفین آن‌ها را نمی‌توان در دسته‌بندی خودی - غیر خودی قرار داد. به عبارت دیگر برخلاف سه دوره پیشین؛ در این دوره جدول مقایسه میزان قطعیت در دو جبهه خودی و غیر خودی نخواهیم داشت یا اعداد آن همگی صفر خواهد بود. زیرا هیچ‌یک از طرفین گفت وگوها جزو کفار یا مشرکین نیستند.

جدول شماره ۵ - فراوانی ضمایر شاملی و غیر شاملی در گفت‌وگوها

غیر شاملی	شاملی	نوع ضمیر	
۱۲۳	۷	فراوانی	دوره اول
۱/۴۴	۰/۰۸	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	
۴۶	۴	فراوانی	دوره دوم
۱/۷۶	۰/۱۵	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	
۱۷	۰	فراوانی	دوره سوم
۱	۰	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	
۱۱	۰	فراوانی	دوره چهارم
۲/۲	۰	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	

جدول شماره ۶ - فراوانی نهادهای متنی و بینافردی در گفت‌وگوها

نهادهای بینافردی	نهادهای متنی	نوع نهاد	
۲۲۴	۳۹۶	فراوانی	دوره اول
۲/۶۳	۴/۶۵	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	
۳۲	۱۱۵	فراوانی	دوره دوم
۱/۲۳	۴/۴۲	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	
۲۶	۷۲	فراوانی	دوره سوم
۱/۵۲	۴/۲۳	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	
۱۴	۱۴	فراوانی	دوره چهارم
۲/۸	۲/۸	متوسط کاربرد در هر گفت‌وگو	

۵. تحلیل یافته‌ها

۵-۱. تحلیل دوره اول

در این دوره پیامبر (ﷺ) به‌طور رسمی و علنی به دعوت توحیدی خود اقدام و شرک را در همه ابعادش محکوم می‌کنند. در همین بازه زمانی، ۵۴ سوره نازل شده است که از سوره علق آغاز و با سوره حجر پایان می‌یابد و مشتمل بر ۸۵ (حجر: ۷۱-۶۸ / لوط با قومش) گفت‌وگو در ۱۴ سوره مدثر، ص، اعراف، یس، مریم، طه، شعرا، نمل، قصص، اسراء، یونس، هود، یوسف، و حجر است.

بر اساس نتایج مراحل تحلیلی پیشین، مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

- در بررسی گفت‌وگوهایی که یک یا دو طرف آن‌ها غیبی و از عالم ماوراء است، نسبت به گفت‌وگوهایی که هر دو طرف آن‌ها جزو عالم مادی و طبیعی است، مشاهده می‌شود که عمدتاً فرآیندهای ذهنی و وجودی در نوع اول و فرآیندهای مادی یا رابطه‌ای در نوع دوم حضور چشمگیری دارند. به عبارت دیگر عمدتاً با تغییر طرفین گفت‌وگو از عالم غیب و ماوراء به عالم ماده و شهود؛ فرآیندها از کثرت ذهنی و وجودی به سمت کثرت رابطه‌ای و مادی می‌روند.

- در گفت‌وگوهای انبیاء با سران اقوام - که در این دوره از فراوانی بالایی برخوردارند - مشاهده می‌شود که به‌رغم آنکه مخاطب انبیاء، سران یا اشراف قومند؛ آنان خود قوم را مورد خطاب قرار می‌دهند (در صورت حضور قوم).

این تکنیک که در اکثریت قریب به اتفاق این دست گفت‌وگوها دیده می‌شود؛ نشان‌دهنده تخفیف سران و اشراف کفار و توجه به متن مردم به‌جای خواص و بزرگان از سوی پیامبران و تضعیف این فاعلین متن از سوی راوی گفت‌وگوهاست.

- در این دوره - به‌ویژه در گفت‌وگوهای نخستین - تلاش می‌شود در استخدام واژه‌ها و خطاب‌ها؛ تهیدستان از جامعه کفار جدا شوند. تفکیک گروه‌های خاص از دیگر بخش‌های جامعه شرک‌آلود؛ تلاشی برای برهم زدن انسجام آنان و تأکید بر تفاوت‌ها و شکاف‌های اجتماعی به نظر می‌رسد. به‌ویژه آنکه برجسته‌سازی تمایزات اجتماعی در خطاب‌ها و گفت‌وگوها؛ ضمن همراه ساختن این گروه با اعتقادات وحدانی به انجام می‌رسد.

- همزمان با دوگانه‌سازی‌های فوق؛ گفت‌وگوهای انتخابی قرآن کریم در این دوره به رفع و دفع توجیها و ادله پیروان و تهیدستان در تبعیت از پیشوایان باطل آن‌ها می‌پردازد. انتخاب و نقل گفت‌وگوهای جهان آخرت میان تابعان و پیروان با سران و فرمانروایان مشرک و کافر در همین راستا است.

- بررسی ترتیب انتخاب و روایت گفت‌وگوهای پیامبران با اقوام خویش نشان‌دهنده برنامه‌ریزی و آینده‌نگری قرآن کریم برای جامعه صدر اسلام و لحاظ عنصر

تدریج در تبلیغ است. این ترتیب عبارت است از: نوح (علیه السلام)، هود (علیه السلام)، صالح (علیه السلام)، شعیب (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام).

الف) گفت‌وگوهای حضرت نوح (علیه السلام): بر اساس این گفت‌وگوها؛ از قوم حضرت نوح (علیه السلام) به ندرت کسی به وی ایمان آورد و قریب به اتفاق آنان دچار عذاب الهی شدند. ب) گفت‌وگوهای حضرت هود (علیه السلام): بر اساس این گفت‌وگوها؛ جمع اندکی از قوم هود (علیه السلام) به وی ایمان آوردند ولی ایمان خود را پنهان نگه می‌داشتند.

ج) گفت‌وگوهای حضرت صالح (علیه السلام): بررسی این گفت‌وگوها نشان می‌دهد که نه تنها جمعی از قوم به وی ایمان آوردند بلکه این ایمان را نیز اظهار می‌کردند.

د) گفت‌وگوهای حضرت شعیب (علیه السلام): بررسی این گفت‌وگوها نشان می‌دهد که نه تنها جمعی از قوم به وی ایمان آورده و ایمان خود را ابراز هم می‌کنند بلکه در مرحله‌ای بالاتر، گویی جامعه اقلیت ایمانی تشکیل و برخی احکام زندگی (مانند خرید و فروش) نیز بیان می‌شوند.

ه) گفت‌وگوهای حضرت سلیمان (علیه السلام): مضمون این گفت‌وگوها گزاره‌های حاکمیتی است که نه تنها حاکی از تشکیل حکومت از سوی پیامبر (ﷺ) است، بلکه فراتر از آن به انتخاب و نقل گفت‌وگوهای پرداخته می‌شود که اطراف آن، حاکمان دو حکومت و یا دو جامعه‌اند. گفت‌وگوی پیامبر الهی با حاکمان دیگر بلاد برای توسعه جامعه ایمانی.

ترتیب انتخاب و روایت گفت‌وگوهای فوق، آشکارا به ترتیب مراحل شکل‌گیری جامعه ایمانی و حکومت نبوی اشاره دارد.

– مدیریت تکرار گفت‌وگوها در این دوره؛ حاکی از نمایش روند افزایشی اعتماد به نفس و اشراف هر چه بیشتر انبیاء الهی است. نمونه بارز این روندسنجی، تکرار سه‌گانه گفت‌وگوی میان حضرت موسی (علیه السلام) با ساحران در گفت‌وگوهای شماره ۱۳ (اعراف: ۱۱۶-۱۱۵)، ۲۷ (طه: ۶۶-۶۵) و ۳۸ (شعرا: ۴۴-۴۳) است.

توجه به تفاوت این سه گفت‌وگو، افزایش تدریجی قاطعیت حضرت موسی (علیه السلام) در مقابل ساحران را نشان می‌دهد. گفت‌وگوی شماره ۱۳ با پرسش ساحران آغاز می‌شود که «ای موسی! یا تو بینداز یا اینکه ما می‌اندازیم» و پاسخ موسی که «شما بیندازید».

در گفت‌وگوی شماره ۲۷ (طه: ۶۶-۶۵)، در پاسخ حضرت موسی (علیه السلام)، واژه «بل» اضافه شده است. (بل القوا: بلکه شما بیفکنید) که ناشی از اطمینان بیشتر گوینده است. اما در گفت‌وگوی شماره ۳۸ (شعرا: ۴۴-۴۳)، با تغییر بیشتری مواجهیم، به گونه‌ای که پرسش ساحران به طور کلی حذف شده است و حتی گویی این موسی (علیه السلام) است که منتظر افکندن ریسمان‌ها و چوب‌ها از سوی ساحران است: «موسی به آنان گفت بیفکنید آنچه را قصد دارید بیفکنید».

- بررسی تکرار گفت‌وگوی میان فرعون و ساحران (پس از ایمان آوردن ساحران) نیز مؤید همین روند است. مقایسه گزاره‌ها در گفت‌وگوهای شماره‌های ۱۴ (اعراف: ۱۲۶-۱۲۳) و ۲۸ (طه: ۷۳-۷۱) (نشان‌دهنده افزایش نمایش نفوذ و قدرت موسی (علیه السلام) در روایت گفت‌وگوها از سوی خداوند است. چه آنکه در نقل اول (گفت‌وگوی ۱۴) فرعون خطاب به ساحران از همکاری آنان و موسی (علیه السلام) در مکر، سخن می‌گوید اما در روایت دوم (گفت‌وگوی ۲۸)، موسی (علیه السلام) به عنوان بزرگ ساحران که سحر را به آنان آموخته است، معرفی می‌شود.

مجموع نکات ۶ و ۷ نشان می‌دهد که روایت وقایع، رویدادها یا گفت‌وگوها متناسب با شرایط و ویژگی‌های زمان و مکان روایت، ارائه شده است. - در گفت‌وگوهایی که یک طرف آن کفار و یا مشرکین تاریخ انبیاء قرار دارند، تحقیر و یا تمسخر ذات باریتعالی و یا انبیاء عظام الهی سانسور نشده و به شکل مدیریت شده‌ای از زبان آنان نقل شده است.

- موردکاوای روند گفت‌وگوهای شماره‌های ۲۳ (طه: ۳۶-۱۱ / خدا با موسی)، ۳۱ (طه: ۹۲-۹۴ / موسی با هارون)، ۳۴ (شعرا: ۱۶-۱۰ / خدا با موسی) و ۵۳ (قصص: ۳۵-۳۲ / خدا با موسی)؛ نشان‌دهنده سیر تدریجی برجسته‌سازی شخصیت هارون است.

الف) گفت‌وگوی ۲۳: در این گفت‌وگو که میان خداوند و موسی (علیه السلام) برقرار می‌شود؛ هارون از سوی موسی (علیه السلام) با عبارات ذیل معرفی می‌شود: دستیارم باشد، پشت من به او محکم شود، در کارم شریک شود.

ب) گفت‌وگوی ۳۱: این گفت‌وگو میان موسی (علیه السلام) و هارون است. توجه به آیات پیشین این گفت‌وگو نشان می‌دهد که «عدم تبعیت قوم از هارون» برجسته شده و

مستحق عقاب دانسته شده است. به عبارت دیگر در گامی جلوتر از گفت‌وگوی ۲۳؛ هارون به‌عنوان کسی که باید مورد تبعیت قوم قرار گیرد معرفی شده است.

ج) گفت‌وگوی ۳۴: در این گفت‌وگو (موسی - خدا)؛ موضوع رسالت و نبوت هارون مطرح می‌شود و به‌طور مشخص درخواست حضرت موسی (علیه السلام)، ارسال مستقیم وحی و رسالت به هارون است.

د) گفت‌وگوی ۵۳: در این گفت‌وگو باز هم در گامی فراتر و برای نخستین‌بار خداوند؛ ضمن اشاره مستقیم به هارون؛ خود صفاتی را برای او در نظر می‌گیرد:

- قدرت و نیروی تو (موسی) را به وسیله برادرت افزون می‌کنم.

- به واسطه معجزات، برای «هر دوی شما» تسلط قرار می‌دهم.

- خداوند لزوم تبعیت قوم از موسی (علیه السلام) و هارون را به شکل صریح و «یکسان» مطرح می‌کند. در این میان صفت ترجیحی «افصح منی» نیز از سوی موسی (علیه السلام) در این گفت‌وگو مطرح می‌شود.

بررسی روندی این گفت‌وگوهای چهارگانه، مدل برجسته‌سازی تدریجی افراد و شخصیت‌ها را ترسیم می‌نماید به‌گونه‌ای که با ایجاد کمترین حساسیت، چهره‌های شاخص جامعه ایمانی معرفی و جایگاه آنان تحکیم می‌شود.

- انتخاب گفت‌وگوها در این دوره؛ متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن است. به‌عنوان نمونه گفت‌وگوهای ۵۷ (اسراء: ۱۰۱-۱۰۲ / موسی با فرعون) و ۵۸ (یونس: ۷۶-۷۸ / موسی با فرعون) در شرایطی نازل می‌شوند که اوج اتهام زنی مشرکان مکه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) با محوریت ساحر و مجنون خواندن ایشان مطرح است. بیان گفت‌وگوهای مشابهی که در آن‌ها همین اتهامات به حضرت موسی (علیه السلام) زده شد؛ پاسخی غیرمستقیم به کفار مکه و ایجاد طمأنینه قلبی برای پیامبر گرامی اسلام است.

- همان‌گونه که بیان شد؛ خداوند به‌عنوان راوی گفت‌وگوها؛ تمسخر و تحقیر خود و رسولان خود را از متن گفت‌وگوها حذف ننموده است. اما بررسی گفت‌وگوی ۶۷ (هود: ۷۸-۸۰ / لوط با قومش)؛ نشان می‌دهد که در طرح ناهنجاری‌های اخلاقی و جنسی؛ در متن گفته فاعلان متن دست‌کاری می‌نماید تا عفت عمومی مخدوش نشود. استخدام عناصر پیرامونی موضوع برای طرح گفت‌وگوی خصوصی زلیخا و یوسف و

کاربرد «نشانگان» درخواست زلیخا به جای بیان مستقیم و سانسور نشده آن، از جمله آموزه‌های مهم گفت‌وگوی شماره ۶۷ است.

- از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره اول؛ وجود گفت‌وگوهایی (هفت گفت‌وگو) میان دو طرف غیرخودی است. به عبارت دیگر تنها دوره‌ای که با مدل گفت‌وگوهای غیرخودی - غیرخودی (هر دو طرف کفار و مشرکین باشند) مواجهیم؛ همین دوره است. به‌طور طبیعی غلبه کامل کفار در مرحله نخست نزول قرآن؛ حضور این نوع گفت‌وگوها را موجه و تبیین می‌نماید.

- بررسی روندی گفت‌وگوهای شماره‌های ۳ (ص: ۸۵-۷۵ / خدا با ابلیس)، ۵۶ (اسراء: ۶۵-۶۲ / خدا با ابلیس) و ۸۲ (حجر: ۴۱-۳۲ / خدا با ابلیس)؛ مسیر منطقی و شگفت‌انگیز معرفی ابلیس به‌عنوان دشمن اصلی مؤمنان و منشأ گمراهی‌ها را نشان می‌دهد. راوی این گفت‌وگوها ابتدا در گفت‌وگوی ۳؛ به معرفی اولیه و اجمالی شیطان و عزم جزم او در گمراه نمودن بنی‌آدم اکتفا می‌نماید.

پس از ایجاد پرسش‌های اولیه در ذهن مخاطبان؛ در مرحله دوم یعنی در گفت‌وگوی ۵۶؛ شیوه‌ها و روش‌های شیطان در منحرف کردن کفار و مشرکان و مؤمنان را توضیح می‌دهد و در نهایت و در گفت‌وگوی ۸۲؛ مهم‌ترین راهکار مقابله با او را به مؤمنان معرفی می‌نماید.

روند سه‌گانه «معرفی شیطان»؛ «روش‌های او» و «ارائه راهکارهای مقابله»؛ الگویی از ترتیب انتخاب و چینش گفت‌وگوها در معرفی «غیر» محسوب می‌شود.

- متوسط میزان کاربرد فرآیندهای ذهنی و وجودی در دوره اول به ترتیب ۳/۲۷ و ۰/۹۱ است که بیشترین میزان در میان ادوار چهارگانه است.

این فراوانی را می‌توان به معنای اهتمام به تبیین «هست‌ها» و «نیست‌ها» بر بستری از احساس و آگاهی دانست. چه آنکه همان‌گونه که گذشت فرآیند ذهنی عمدتاً در حوزه آگاهی و احساس و فرآیند وجودی بیشتر مبین بودها و نبوده‌ها یا هست‌ها و نیست‌هاست.

- فراوانی فرآیندهای مادی در این دوره (و دوره دوم)؛ می‌تواند به ماهیت تعلیم مفاهیم انتزاعی با استفاده از عناصر مادی مربوط باشد. این امر به‌ویژه در کنار نکته پیشین بیشتر قابل توجیه است. در عبارتی زبانشناختی می‌توان گفت با توجه به تعریف یک پارادایم

جدید در عصر جاهلیت؛ تعریف «عوامل» و «بهره‌وران» یک ضرورت گفتمانی برای مخاطبان آن دوران است.

- فراوانی نهاد بینافردی در این دوره - که نشانگر حالات و عواطف گویندگان متن در تمایل یا امتناع از ادامه گفت‌وگوست - می‌تواند به دلیل وجود دو نوع متناقض از ارتباط باشد. از یک سو عمده انبیاء الهی جزو خویشان و نزدیکان اقوام مشرک خود بوده‌اند و از سوی دیگر به دلیل تفاوت بنیادین جهان‌بینی؛ در کارزاری اعتقادی با آن‌ها به سر می‌برده‌اند. البته بررسی گفت‌وگوهای این مرحله، نشان می‌دهد که سویه میل به امتناع از گفت‌وگو، بسیار بیشتر از سویه «تمایل» به آن بوده است.

- از دیگر ویژگی‌های گفت‌وگوهای این مقطع، برخورداری از بالاترین میزان نسبی قطعیت در جبهه غیرخودی و پایین‌ترین میزان آن در جبهه خودی در میان تمام ادوار چهارگانه است.

این ویژگی آماری و زبان‌شناختی، ناشی از اشراف و تسلط کامل مشرکان و کافران بر جامعه و دشواری کار مؤمنان و حضرت پیامبر (ﷺ) در این دوره تاریخی است. بررسی مجموعه تحلیل‌ها و ویژگی‌های دوره اول گفت‌وگوها عمدتاً نشان‌دهنده فرآیند «از جا شدگی گفتمان حاکم» و پس از آن، تعریف اجمالی دال مرکزی و وقته‌های گفتمان نوظهور است. همان‌گونه که گذشت مفهوم بی‌قراری یا از جاشدگی؛ به تزلزل بنیادین گفتمان‌ها به واسطه وجود خصومت و وابستگی به غیر اشاره دارد. در این شرایط گفتمان حاکم قادر به نمادپردازی جابجایی‌ها نیست. جابجایی‌ها حوادثی هستند که تلاش می‌کنند نظم حاکم را متلاشی کنند.

به عنوان نمونه تلاش برای تفکیک تهیدستان از جامعه کفار؛ به نوعی بهره‌گیری از «منطق تفاوت» برای ایجاد شکاف اجتماعی در جامعه منسجم و مسلط آنان است.

نشان دادن افقی روشن از ترتیب قرارگیری گفت‌وگوهای پیامبران (نوح، هود، صالح، شعیب و سلیمان) - که توضیح آن به تفصیل گذشت - روند استعاری شدن یک اسطوره است که از تبعات نمایش «دال‌های خالی» می‌باشد.

به عبارت دیگر نمایان کردن خلأها در فضای اجتماعی و نشان دادن وضع مطلوب و آرمانی؛ جزو ویژگی‌های این دوره است.

از سوی دیگر اعمال فرآیند تخفیف و تضعیف فاعلین متن وابسته به سران و اشراف و بزرگان کفار از طریق انتخاب و روایت گفت‌وگوهای انبیاء با اقوامشان آشکار است. به ویژه در تبدیل «خطاب»‌های انبیاء از سران اقوام به خود اقوام. از سوی دیگر بررسی نوع روایت گفت‌وگوهای غیرخودی - غیرخودی (که از ویژگی‌های انحصاری این دوره است) و تردیدهای موجود در برخی از آنان؛ بیانگر تأکید بر اثرگذاری فرآیند «منطق تفاوت» و «دال‌های خالی» است. درعین حال معرفی اجمالی دال مرکزی (توحید) و برخی وقته‌ها در گفت‌وگوهای این دوره، مقدمه فرآیند گفتمان‌سازی (پس از فروپاشی گفتمان حاکم) است. پس به‌طور خلاصه می‌توان دوره اول گفت‌وگوهای قرآنی را دوران «از جاشدگی یا بی‌قراری گفتمان حاکم» از طریق به‌کارگیری منطق تفاوت؛ دال‌های خالی؛ استعاری نمودن اسطوره‌های مطلوب؛ نمایش جابجایی‌ها؛ تخفیف یا حاشیه‌گذاری تدریجی سران کفار و درعین حال معرفی اجمالی دال مرکزی و مهم‌ترین وقته‌های گفتمان نو دانست. در این میان فرآیند برجسته‌سازی تدریجی برخی شخصیت‌های تاریخی همسو مانند موسی (علیه السلام) و هارون (علیه السلام) نیز قابل توجه است.

۲-۵. تحلیل دوره دوم

با نزول آیه ۹۴ سوره حجر، اعتقادات و رفتار گروه مخفی مؤمنان در مکه علنی شد. این دوره مشتمل بر ۳۲ سوره (از سوره انعام تا سوره مطفین) را می‌توان اوج تقابل اقلیت مؤمن با اکثریت مشرک دانست که در آن، ۲۶ گفت‌وگو در ۱۴ سوره زیر قرار داده شده است: انعام، صافات، سبأ، زمر، غافر، فصلت، احقاف، ذاریات، کهف، ابراهیم، انبیاء، مؤمنون، ملک، عنکبوت. بر اساس نتایج مراحل تحلیلی پیشین، مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

- کاهش محسوس میزان قاطعیت در جبهه غیرخودی و افزایش آن در جبهه خودی نشان‌دهنده انتخاب و روایت گفت‌وگوها متناسب با رشد تدریجی جامعه ایمانی در مقابل اکثریت کفار و مشرکین است.

- کاهش چشمگیر نقل گفت‌وگوهای پیامبران با اقوام از دیگر ویژگی‌های این دوره است. در عین حال گفت‌وگوی شماره ۱۰۵ (ابراهیم: ۹-۱۳) را می‌توان تلخیص و مرور اجمالی گفت‌وگوهای پیامبران مختلف با اقوام خود دانست.

بازسازی گفت‌وگوهای فراوان انبیاء با اقوامشان در یک گفت‌وگوی واحد که طرفین آن به‌جای مصادیق معین؛ شخصیت و هویت مشترک صاحبان گفته‌هاست، از امتیازات و آموزه‌های این گفت‌وگوی خاص قرآن کریم است. با توجه به آغاز فرآیند «غیریت‌سازی» در این مرحله؛ تعریف مرزهای کلان بر بستری از مرزبندی‌های جزئی، مصداقی و تاریخی؛ می‌تواند مبین حضور این نوع خاص از گفت‌وگوها در این دوره باشد.

- به نظر می‌رسد در گفت‌وگوهای این دوره؛ بُعد تهاجمی واژه‌ها افزایش یافته است. (مانند گفت‌وگوهای ۱۰۳ (کهف: ۸۸-۸۶ / ذوالقرنین با خدا) و ۱۰۸ (مؤمنون: ۱۱۵-۱۰۵ / خدا با کافران در جهنم)).

- افزایش محسوس گفت‌وگوهایی که یک یا دو سوی آن از عالم ماوراء است و یا در موقعیت قیامت روایت شده از ویژگی‌های این دوره از آیات گفت‌وگویی است (مانند گفت‌وگوهای ۸۶ (انعام: ۲۳-۲۲، ۳۰-۲۸ / خدا با مشرکان در روز قیامت) و ۸۸ (سبأ: ۲۳ / سخن مجرمان با شفیعان) و ۸۹ (سبأ: ۳۳-۳۱ / مستضعفان با مستکبران) و ۹۰ (سبأ: ۴۱-۴۰ / خدا با ملائکه) و ۹۱ (زمر: ۷۲-۷۱ / فرشتگان با جهنمیان) و ۹۳ (غافر: ۵۰-۴۹ / اهل آتش با مأموران جهنم) و ۹۴ (فصلت: ۱۱ / خدا با زمین و آسمان) و ۱۰۳ (کهف: ۸۸-۸۶ / ذوالقرنین با خدا) و ۱۰۶ (ابراهیم: ۲۱ / مستضعفان گنهکار و گردن‌کشان گناهکار) و ...).

- عمده این نوع گفت‌وگوها (در موقعیت قیامت) نسبت به دوره قبل، به سویه عذاب‌ها گرایش دارند (مانند گفت‌وگوهای ۹۶ (احقاف: ۲۴-۲۱ / پیامبر عاد با مردم لجوج آن) و ۹۷ (ذاریات: ۳۴-۲۴ / ابراهیم و همسرش با ملائکه)). به عبارت دیگر عذاب‌هایی که در دوره اول به اجمال معرفی شده‌اند در این دوره به تدریج و به شکل تفصیلی بازگو می‌شوند.

- همانند دوره پیشین، میزان کاربرد فرآیندهای مادی در گفت‌وگوهای این دوره بالاست که توضیح آن گذشت.

- این دوره از بیشترین فراوانی کاربرد فرآیندهای کلامی برخوردار است. که با

توجه به اوج منازعات و کشمکش های کلامی موجود در جامعه به شدت دوقطبی شده مذکور قابل تبیین است.

- افزایش همزمان کاربرد ضمائر شاملی و غیرشاملی در گفت و گوهای این مرحله نیز آشکارا نشان دهنده افزایش تنش و پررنگ شدن مرزهای خودی - غیرخودی است. به ویژه افزایش حدود صد در صدی ضمائر شاملی؛ می تواند حاکی از آغاز تشکیل یک «ما» در مقابل «آن‌ها» در دوره دوم گفت و گوها باشد.

بررسی مجموعه تحلیل ها و ویژگی های دوره دوم گفت و گوها، عمدتاً نشان دهنده فرآیند تشکیل «ما» در مقابل «آن‌ها» و به عبارت دیگر «غیریت سازی» است. فهم فرآیند گفتمان سازی در منظر لاکلائو و موف بدون فهم مفاهیم «ضدیت» و «غیریت» ناممکن است. از این منظر هویت یابی اجتماعی گفتمانی صرفاً در تعارض با گفتمان های دیگر امکان پذیر است.

افزایش چشمگیر و همزمان ضمائر شاملی و غیرشاملی؛ افزایش محسوس و همزمان متغیر قطعیت در کلام خودی‌ها؛ کاهش فراوانی گفت و گوهای هدایتی انبیاء و افزایش تعداد گفت و گوهای عذاب محور در قیامت و ... همگی از ویژگی های شاخص این دوره است که به فرآیند تعریف و تقویت مرزهای ما و آن‌ها می انجامد.

تا آنجا که حتی در نقل گفت و گوهایی که در موقعیت عالم پس از مرگ رخ داده اند، تأکید بر جداسازی مستضعفان از مستکبران، متعدد و فراوان است.

افزایش بُعد تهاجمی واژگان به کار رفته در گفت و گوها نیز بر شدت تخاصم میان «ما» در مقابل «آن‌ها» صحه می گذارد.

جذب دال های شناور هم برای تقویت جبهه خودی در مقابل غیر است. نمونه بارز آن تلاش برای جذب جبهه پیروان و مستضعفان (پس از تفکیک آنان در دوره اول) است.

پس به طور خلاصه می توان دوره دوم گفت و گوهای قرآنی را دوران «غیریت سازی»؛ از طریق نفی جبهه غیرخودی؛ جذب دال های شناور فیما بین؛ توسعه جبهه «ما» و تقویت مرزها و خط کشی های بین خودی و غیرخودی و بهره گیری از نمایش عواقب این مواجهه (در عالم پس از مرگ) دانست.

۳-۵. تحلیل دوره سوم

با نزول آیاتی که تکالیف قانونی مؤمنان را روشن و هشدارهای لازم درباره خطرات احتمالی را گوشزد می‌کرد، جامعه‌ای مستقل، توانا و پویا شکل گرفت و به سرعت بسیاری از رفتارهای ایمانی در آن نهادینه شد. این مرحله شامل ۲۶ سوره، از بقره تا فتح و تعداد ۱۷ گفت‌وگو در سوره‌های زیر است؛ بقره، آل‌عمران، نساء، حدید، تحریم، و صف.

بر اساس نتایج مراحل تحلیلی پیشین، مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های بارز و انحصاری این دوره؛ طرح پرحجم تردیدها، ابهام‌ها و پرسش‌های مؤمنان طی گفت‌وگوهاست. مهم‌ترین محورهای اصلی این پرسش‌ها و تردیدها عبارتند از:

- طرح اشکال یا سؤال ملائکه از خداوند در مورد فلسفه خلقت آدم (گفت‌وگوی ۱۱۲) (بقره: ۳۰-۳۳).

- طرح اشکال بنی‌اسرائیل در طلب انواع غذا (گفت‌وگوی ۱۱۳) (بقره: ۶۱).

- طرح اشکال بنی‌اسرائیل در تعیین گاو که باید قربانی می‌شد (گفت‌وگوی ۱۱۴) (بقره: ۶۷-۷۳).

- طرح اشکال سران قوم به پیامبرشان درباره انتخاب فرمانده (گفت‌وگوی ۱۱۶) (بقره: ۲۴۶-۲۴۸)

- طرح ابهام یا سؤال عزیز پیامبر (ﷺ) در مورد نحوه زنده شدن پس از مرگ (گفت‌وگوی ۱۱۸) (بقره: ۲۵۹).

- طرح ابهام یا سؤال ابراهیم (ﷺ) در مورد نحوه زنده شدن پس از مرگ (گفت‌وگوی ۱۱۹) (بقره: ۲۶۰).

- طرح ابهام یا سؤال زکریا (ﷺ) در مورد فرزنددار شدن (گفت‌وگوی ۱۲۱) (آل‌عمران: ۴۱-۳۸ / زکریا با خدا و فرشتگان).

به نظر می‌رسد در این دوره؛ پایش و تعمیق باورهای مؤمنان در دستور کار قرار گرفته است که با شرایط اجتماعی و سیاسی آن کاملاً سازگار است.

- تردید، ابهام، شک، پرسش و حتی اشکال خودی‌ها در روایت گفت‌وگوها به رسمیت شناخته شده است. طرح این موارد و پاسخ به آن‌ها محترمانه و در راستای روشننگری و بدون طردگذاری مؤمنان پرسشگر است. امری که در دوره پیشین تقریباً بی سابقه است.

- از جمله آموزه‌های گفت‌وگوهای این دوره؛ تغییر نحوه توصیف شخصیت‌ها متناسب با شرایط جدید جامعه نبوی است. نمونه بارز آن از مقایسه گفت‌وگوی ۲۰ (مریم: ۱۰-۲ / زکریا با خدا و فرشتگان) با ۱۲۱ (آل عمران: ۴۱-۳۸ / زکریا با خدا و فرشتگان) با محوریت حضرت یحیی (علیه السلام) به دست می‌آید. توصیف یحیی در گفت‌وگوی نخست چنین است: «قبل از او، کسی به نام او نبوده است». اما با توجه به تشکیل جامعه مستقل ایمانی در مدینه و آغاز تعاملات مسلمانان و حکومت اسلامی با یهودیان و مسیحیان؛ نحوه توصیف یحیی در گفت‌وگوی دوم (گفت‌وگوی ۱۲۱) چنین می‌شود: «کسی است که عیسی را تأیید می‌کند». این روندسنجی، نحوه انتخاب و بیان صفات افراد متناسب با شرایط مخاطب را گوشزد می‌نماید.

- افزایش چشمگیر گفت‌وگوهای درون گفتمانی از دیگر ویژگی‌های این دوره است. (مانند گفت‌وگوهای حضرت عیسی (علیه السلام) با حواریون یا تمام گفت‌وگوهای مربوط به نکته نخست).

- وجود گفت‌وگوهای حواریون با حضرت عیسی (علیه السلام) در این بخش از گفت‌وگوها - متناسب با شرایط اجتماعی مسلمانان و تعاملات نوین آن‌ها با مسیحیان - از دیگر آموزه‌های دوره سوم است.

- کمترین میزان متوسط کاربرد متغیر قطعیت در طرف غیرخودی و بیشترین میزان در طرف خودی مربوط به همین دوره است.

این امر می‌تواند نشان‌دهنده افزایش قاطعانه اعتماد به نفس جامعه ایمانی نسبت به کفار و مشرکین باشد. به عبارت دیگر «انتخاب» و «شیوه روایت» گفت‌وگوها در این مرحله متناسب با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی مخاطبان صدر اسلام تنظیم شده است. بررسی مجموعه تحلیل‌ها و ویژگی‌های دوره سوم گفت‌وگوها عمدتاً نشان‌دهنده «مفصل‌بندی گفتمانی» و آغاز شکل‌گیری «هژمونی گفتمانی» است. همان‌گونه که

گذشت هنگامی که افکار عمومی برای یک دال، معنایی مشخص را - هر چند موقت - بپذیرند آن دال، هژمونیک شده است. با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان؛ کل آن گفتمان هژمونیک می‌شود.

گذشت که از نظر لاکلائو و موف مهم‌ترین مشخصه یک گفتمان مسلط نیز آن است که سطح وسیعی از تقاضاها، نظرات و حالات را تأمین کند.

طرح پر حجم سؤال‌ها، ابهام‌ها، تردیدها و ارائه پاسخ به آن‌ها از جمله ویژگی‌های این دوره است و نشان‌دهنده شکل‌گیری یک گفتمان جدید است. گفتمانی نو که قادر به پرکردن فضاها و دال‌های خالی است و به خوبی قادر است انتظارات و مطالبات مختلف قائلین به خود را پاسخ گوید و «جابجایی‌های» احتمالی را پیشاپیش در درون خود مطرح و آن‌ها را در گفتمان خود بازنمایی کند.

شکل‌گیری زنجیره هم‌ارزی در این دوره از طریق توسعه مفاهیمی چون معاد، فلسفه خلقت آدم، قدرت خداوند، زنده شدن پس از مرگ، تردید منافقان، و ... موجب عبور از تمایزات و تفاوت‌های پیشین جامعه (تفاوت قبیله‌ها؛ تفاوت مهاجرین و انصار؛ تفاوت جنسیتی و ...) و مفصل‌بندی آن‌ها با نشانه‌ها و وقته‌های اصلی و تشکیل هویتی یکپارچه در مقابل «غیر» می‌شود.

از طریق همین تعمیق درون گفتمانی مفاهیم است که وقته‌ها تثبیت و در اتصال با هم؛ نظم جدیدی را می‌آفرینند.

از ویژگی‌های گفتمانی این دوره؛ تلاش برای جذب نشانه‌هایی از حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان رقیب است. حوزه گفتمان‌گونگی همان‌گونه که بیان شد به معانی و نشانه‌هایی اشاره دارد که گفتمان هژمونیک توانایی جذب آن‌ها را نداشته است و یا به عبارتی از آن حذف شده‌اند.

به نظر می‌رسد «اهل کتاب» به ویژه مسیحیت جزو حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان غیر بوده که در این دوره تلاش برای جذب آنان مطمح نظر قرار گرفته است و خود از نشانه‌های شکل‌گیری گفتمان جدید جامعه نبوی است.

پس به‌طور خلاصه می‌توان دوره سوم گفت‌وگوهای قرآنی را دوران «مفصل‌بندی گفتمانی» جامعه ایمانی و آغاز فرآیند هژمونیک آن از طریق تثبیت وقته‌ها؛ پوشش

خلاءها و دال‌های خالی؛ بازنمایی دورن‌گفتمانی جابجایی‌ها؛ جذب نشانه‌ها و معانی حوزه‌گفتمان‌گونگی گفتمان رقیب؛ پاسخ به انواع انتظاراتها و پرسش‌ها و تشکیل زنجیره هم‌ارزی برای عبور از تفاوت‌ها و تمایزها دانست.

۵-۴. تحلیل دوره چهارم

این مرحله که می‌توان از آن به دوران تثبیت، پالایش فرهنگی و مراقبت و ارتقاء اعتقادات و رفتارهای جامعه‌ایمانی یاد کرد، شامل دو سوره‌مانده و توبه و مشتمل بر پنج گفت‌وگوست.

بر اساس نتایج مراحل تحلیلی پیشین، مهمترین ویژگی‌های این دوره را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

- ویژگی انحصاری این دوره؛ فقدان گفت‌وگوی میان‌خودی و غیرخودی است. به عبارت دیگر در دوره چهارم تمام اطراف گفت‌وگوها، خودی‌ها (با همه شدت و ضعف‌هایشان) هستند.

- توجه به گفت‌وگوهای ۱۲۹ (مانده / ۲۶-۲۰ / موسی با قومش) و ۱۳۰ (مانده / ۲۶-۲۵ / موسی با خدا) نشان می‌دهد که تمام وقایع بنی‌اسرائیل در دوره حضرت موسی (علیه‌السلام) پیش از این گفت‌وگوها بوده است. از نظر علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۶۶)، فقط تشکیل حکومت باقی مانده بود و تمام نعمت‌ها بر بنی‌اسرائیل تمام شده بود. به عبارت دیگر جانمایی این گفت‌وگوها در آخرین سوره نازل شده قرآن از این منظر قابل تبیین است و کاملاً با شرایط نزول در جامعه نبوی تناسب مفهومی و تاریخی دارد.

- ورود به عرصه «نیت‌ها» و عبور از «عمل‌ها» در گفت‌وگوی ۱۳۱ (مانده: ۲۹-۲۷ / هابیل با قابیل)؛ می‌تواند ویژگی خاص این دوره باشد.

- فزونی نهادهای بینافردی در این دوره؛ می‌تواند نمایانگر بُعد عاطفی در گفت‌وگوها باشد (برخلاف دوره اول که توضیح داده شد).

- کاهش چشمگیر نهادهای متنی در این دوره؛ می‌تواند ناشی از کاهش میزان کشمکش‌ها در دوره چهارم گفت‌وگوها باشد.

- گفت‌وگوهای این دوره، بیشترین فرآیندهای رابطه‌ای را به خود اختصاص

داده‌اند. این گزاره می‌تواند نشانگر اهتمام راوی متن به توصیف ویژگی‌ها و شاخص‌های دال‌های تعریف شده در ادوار گذشته باشد. به‌عنوان نمونه، در این مقطع از صرف اثبات وجود خداوند فراتر رفته و به بیان ویژگی‌ها و صفات دقیق‌تر حضرت باری تعالی عنایت شده است. همچنین است درباره مؤمنان، منافقان و

بررسی مجموعه تحلیل‌ها و ویژگی‌های دوره چهارم گفت‌وگوهای قرآنی، عمدتاً نشان‌دهنده پیرایش و تنقیح گفتمانی و تکمیل فرآیند هژمونیک آن است. پیرایش گفتمانی در این منظر به معنای توصیف گسترده‌تر شاخص‌ها و توسعه مفهومی دال مرکزی و وقته‌های پیرامون آن و جدا کردن ناخالصی‌ها از دال‌های تثبیت شده است.

افزایش فرآیندهای رابطه‌ای در این دوره و حذف حداکثری گفت‌وگوهای خودی - غیرخودی و کاهش محسوس نهادهای متنی؛ همگی بر توسعه و پیرایش «درون گفتمانی» دلالت دارد.

تنظیم فاصله وقته‌ها با دال مرکزی و حتی آغاز شکل‌گیری حوزه گفتمانگونی گفتمان نوپدید از ویژگی‌های این دوره است. به‌عنوان نمونه خروج قابیل از موقعیت یک «وقته» و تبدیل آن به یک «عنصر» به‌نوعی شکل‌گیری فرآیند سرریز یا دورریز نشانه‌ها، دال‌ها و معانی نامتجانس این گفتمان است (همچنین است گفت‌وگوی ۱۲۹). تنقیح نبوت عیسی (ﷺ) از الوهیت او و مادرش در گفت‌وگوی ۱۳۲ (مأئده: ۱۰۹ / خدا با پیامبران) و یا تنقیح پذیرش اعمال (قربانی) از ناپرهیزگاران در گفت‌وگوی ۱۳۰ از دیگر نمونه‌های پیرایش گفتمانی و تنظیم موقعیت وقته‌ها در مفصل‌بندی گفتمانی است. پس به‌طور خلاصه می‌توان دوره چهارم گفت‌وگوهای قرآنی را دوران «پیرایش گفتمانی و تکمیل هژمونی شدن گفتمان نبوی» از طریق تنظیم مفصل‌بندی وقته‌ها، پیرایش آنان و تشکیل حوزه گفتمانگونی آن دانست.

۶. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی: ترسیم صورت‌بندی تطورات گفتمانی گفت‌وگوهای قرآنی

پس از استخراج و استنباط ویژگی‌های هر دوره، تلاش شد با توجه به تحلیل‌ها و یافته‌های حاصله و با استفاده از نظریه گفتمانی لاکلاو و موف، روند تطورات گفتمانی

گفت‌وگوهای قرآنی ترسیم شود.

اصطلاح «صورت‌بندی» در قبال واژه‌هایی نظیر «مفصل‌بندی» و یا «وضعیت یا موقعیت اجتماعی» به کار رفته و ناظر به مدل، نمودار یا شمای کلی مؤلفه‌های اصلی یک گفتمان و یا مراحل شکل‌گیری آن است.

در نظریه لاکلائو - موف اصطلاح «مفصل‌بندی» به عملی اطلاق می‌شود که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، آن‌گونه که هویت آن‌ها در نتیجه این ارتباط تعدیل و تعریف شود. از این جهت با حاصل این عمل که آرایش شکل یافته‌ای از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گفتمانی است، متفاوت است (آجیلی، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

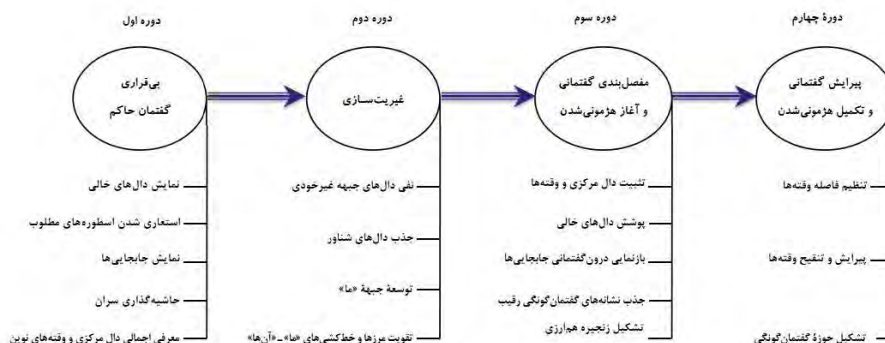
البته پرواضح است که عبارت صورت‌بندی را نمی‌توان برای هر وضعیت یا موقعیت گذرای اجتماعی نیز به کار بست. بلکه برای مقطعی تاریخی استفاده می‌شود که دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های تعیین‌کننده، «جا افتاده»، نسبتاً فراگیر و دوران‌ساز باشد. دوم آنکه شامل دوره‌ها و یا مرحله‌های شکل‌گیری باشد. سوم آنکه از بن‌مایه‌ها و بسترهای اصلی و نسبتاً پایدار برخوردار باشد. چهارم آنکه موجبات پیامدها، دستاوردها و تأثیرات انبوه و گسترده‌ای را فراهم کند (مانند صورت‌بندی مدرنیته) (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۷)

حال چنانچه ترسیم یا تبیین این ویژگی‌ها با ادبیات و مفاهیم نظریه‌های گفتمانی انجام شود، از اصطلاح صورت‌بندی گفتمانی استفاده می‌شود. درعین حال به کارگیری این عبارت نشان‌دهنده توجه به ویژگی‌های کلان ساختاری و شکلی (و نه جزئی و درونی) اجتماعی نیز هست.

از سوی دیگر بی‌تردید صورت‌بندی‌های گفتمانی فوق به معنای وجود تمایزات مطلق میان دوره‌ها نیست. بلکه ضمن پذیرش برهم‌پوشانی مقاطع و مراحل فروپاشی گفتمان مسلط شرک و الحاد و ایجاد و تثبیت گفتمان نوپدید، به بیان وجه غالب هر یک از دوره‌ها به مثابه زنجیره‌ای متوالی از فرآیند مذکور، اهتمام شده است.

نمودار ذیل نمایانگر این صیورورت و تطورات گفتمانی است:

نمودار ۸-۱- ترسیم صورت‌بندی تطورات گفتمانی گفت‌وگوهای قرآنی



یادداشت‌ها

1. formal linguistic
2. Functionalist Linguistic
3. Critical Linguistic
4. Articulation
5. Nodal Point
6. Floating Signifiers
7. Dislocation
8. Logic Of difference
9. Chain Of equivalence
10. Empty Signifiers
11. Moment
12. Field of discoursivity
13. Element
14. otherness

۱۵. دیگر واژه‌های معادل که در ترجمه‌های مختلف گاه به‌کار می‌روند عبارتند از:

Conversation, Converse, discussion, negotiation, Parley

۱۶. از نظر علامه فضل‌الله، حواری شامل واژه‌هایی چون جدال و مباحثه و ... نیز هست. نک: فضل‌الله، محمدحسین، (۱۳۸۹)، ص ۱۶.

17. Histoire
18. Triangulation
19. Inclusivepronoun
20. Exclusivepronoun
21. Formation

کتابنامه

آجیلی، هادی، (۱۳۸۹)، صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل انتقادی گفتمان، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- ایروانی، جواد (۱۳۸۵)، مهارت‌های گفتاری در آموزه‌های اسلامی؛ آداب گفت‌وگو - قرآن و جامعه‌شناسی - بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه بوعلی‌سینای همدان
- العموش، خلود (۱۳۸۸)، گفت‌مان قرآن؛ بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی؛ مبانی، اصول، قواعد و فواید، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- پروینی، خلیل (۱۳۷۹)، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌گستر
- جان لاینز (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی، ترجمه حسین واله، تهران: نشر گام نو
- چتمن، سیمور (۱۳۹۰)، داستان و گفت‌مان، ترجمه راضیه‌سادات میرخندان، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: ص ۹
- حسینی، محمد (۱۳۸۲)، ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن؛ بازخوانش دوازده قصه قرآنی، تهران: انتشارات ققنوس
- خراسانی، زهرا (۱۳۸۴)، نقش گفت‌وگو در قصه‌های قرآنی، چاپ اول، تهران: انتشارات اُسوه
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۵)، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفت‌مان و زبان، چاپ اول، تهران: نشر نی
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عطارد، میترا (۱۳۸۰)، بررسی ساختار روایت در قصص قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز.
- غلامرضایی، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، بررسی ساختار روایت تصویری قصه‌های قرآن مجید با تأکید بر قصه سوره کهف، پایان‌نامه مقطع دکترای رشته پژوهش هنر، تهران: دانشگاه هنر.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، ارتباطات انسانی، چاپ سوم، جلد اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فضل‌ا...، سید محمدحسین (۱۳۸۹)، گفت‌وگو و تفاهم در قرآن کریم؛ روش‌ها، الگوها و دستاوردهای گفت‌وگو، ترجمه سیدحسین میردامادی، تهران: هرمس.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- فیسک، جان (۱۳۸۶)، درآمدی بر مطالعات ارتباطی، ترجمه مهدی غبرایی، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹)، بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کسرابی، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی (بی‌تا)، نظریه گفت‌مان لاکلاو و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳.
- کلاتری، عبدالحسین (۱۳۹۱)، گفت‌مان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- مک دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفت‌مان، ترجمه حسین‌علی نوذری، چاپ اول، تهران: انتشارات

فرهنگ گفتمان.

معموری، علی (۱۳۹۲)، تحلیل ساختار روایت در قرآن؛ بررسی منطقی توالی پیرفت‌ها، چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر.

میر، مستنصر و عبدالرئوف، حسین (۱۳۹۰)، مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی؛ رویکردهای زبانی - سبک‌شناختی، ترجمه ابوالفضل خُزّی، انتشارات نیلوفر.

میلز، سارا (۱۳۸۲)، گفتمان، ترجمه فتح محمدی، چاپ اول، زنجان: نشر هزاره سوم.

نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹)، صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش جهان.

ون‌دایک؛ تئون ای (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، ترجمه گروه مترجمان، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، نظریه گفتمان، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲.

یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

یوسف‌زاده، غلامرضا (۱۳۹۲)، سطوح روایت در قصه‌های قرآن، قم: انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

Goodwin, Charles & Heritage, John (1990), Conversation Analysis; Annual Review Of Anthropology, Jstor, Vol. 19.

Halliday, M. A. K (1994), An Introduction To Functional Grammer, Second ed, New York: Edwara Arnold.

Laclau, E, & Mouffe, C (1985), Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. London: Verso.

Laclau (Ed) (1994), The making of Political Identities, London: Verso.

Smith, Annemarie (1998), Laclau and Mouffe The Radical Democratic Imaginaty, London and Newyork .